



مرزیه محمدزاده*

چکیده

امام محمد باقر (ع) که بارزترین شخصیت اهل بیت و امام پنجم شیعیان است که از همهٔ مردمان؛ شأن، فضیلت، علم، زهد و بزرگواری اش بیشتر و برتر بود. در روایات بسیاری سخن از پرستش خداوند، عفو و گذشت، نرم خویی و مهربانی، سخاوتمندی، پرهیزکاری و شجاعت آن حضرت می گفتند و همه کس او را به عظمت می ستودند و عوام و خواص او را احترام می کردند و قدر و منزلتش از دیگران بیشتر بود و از هیچ یک از فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به اندازه او در خصوص علم دین و نشر آثار و سنت نبوی و حقایق قرآنی و سیرت الهی و اخلاق و آداب، یادگارهای گرانها و آثار خالده باقی نمانده است.

این مقاله با عنوان تجلی قرآن در سیره عملی امام محمد باقر (ع) در صدد بررسی جلوه های آشکار آیات الهی در سیره آن حضرت است. در این پژوهش آیاتی را محور قرار داده و سیره عملی امام را با آن می سنجمیم و در پایان به این نتیجه می رسیم که امام محمد باقر (ع) آینه تمام نمای قرآن کریم است.

کلیدواژه: قرآن، سیره امام محمد باقر (ع)

محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (ع)، امام پنجم (ع) از ائمه اثنا عشر (ع) و یکی از چهارده معصوم (ع)، مکنّا به ابوجعفر و ملقب به باقر.

آن حضرت از سوی پدر نوه امام حسین (ع) و از سوی مادر نوه امام حسن (ع) است. مادرش فاطمه مکنّا به ام عبدالله بانویی جلیل القدر بود. از این رو در مورد امام محمد باقر (ع) گفته اند او علوی بود که از دو سوی علوی بود و فاطمی بود که از دو سوی فاطمی بود.^۱

بنابر قول مشهور در روز جمعه اول ماه رجب سال ۵۷ هجری در شهر مدینه متولد شد^۲ و در هفتم ذیحجه سال ۱۱۴ هجری به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.^۳ چهارسال از حیات جد خود امام حسین (ع) و ۳۷ سال از زندگی پدر خود امام سجاد (ع) را درک کرد، مدت عمرش ۵۷ سال و مدت امامتش ۱۹ یا ۲۰ سال بود. دوران زندگی اش با حکومت ده تن از خلفای اموی - از معاویه بن ابی سفیان تا هشام بن عبدالملک - و ایام امامتش با حکومت پنج تن از ایشان: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک مقارن بود.

دوران زندگی امام بیشتر در شهر مدینه و به نشر معارف دینی و ارشاد شیعیان و تربیت شاگردان گذشت. به روایت کلینی یک بار در دوران هشام بن عبدالملک، آن حضرت و فرزندش امام جعفر صادق (ع) از مدینه به شام احضار شدند.^۴ یک بار نیز به دعوت عمر بن عبدالعزیز به منظور رایزنی برخی مسائل به شام رفت.^۵

پایه فضل و بزرگواری آن حضرت به جایی رسیده بود که در میان اهل علم و کمال ضرب المثل بود و سرایندگان اشعار بسیاری در ستایش او می سرودند و آثار خود را به نام او مزین می داشتند از جمله قرطبی در ستایش آن حضرت می گوید:

یا باقر العلم لأهل التقی و خیر من لیبی علی الاجبل
ای شکافنده علم برای پرهیزکاران و ای بهترین کسی که بر کوه های مکه لیبک گفتی.

علم و دانش

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (المجادلة، ۱۱/۵۸)؛ خداوند از شما آنان را که ایمان آوردند، بالا می برد و آنان که دانش یافته اند، پایه های بالاتر دارند.
«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (الزمر، ۹/۳۹)؛ آیا دانایان و نادانان برابرند.
امام محمد باقر (ع) فرمود: «و ادفع عن نفسك حاضر الشرِّ بحاضر العلم... وقف عند غلبة الهوى باسترشاد العلم»^۶؛ بدی و شر موجود را با علمی که داری از خود دور کن... و با راهنمایی علم، به هنگام غلبه هوای نفس، پایداری بورز.

همه مؤلفان و راویان شیعه و سنی سبب ملقب شدن آن حضرت را به «باقر» دانش فراوان او دانسته‌اند و غالباً این نامگذاری را از پیامبر اکرم (ص) می‌دانند که جابر بن عبدالله انصاری از آن حضرت نقل کرده است. در این روایت از زبان پیامبر اکرم (ص) وجه این نامگذاری نقل شده است: «یقر العلم بقرراً»^۷؛ علم را به کمال و تمام می‌شکافد. ابن بابویه نیز همین روایت جابر را با اندکی تفاوت با سند از جابر بن یزید جعفی آورده که جابر بن یزید این توضیح را افزوده بوده است: «لأنه بقر العلم، أى شقّه شقاً»^۸، زیرا او علم را شکافت. ابن عماد آن حضرت را از فقهای مدینه برشمرده که به سبب دانش فراوان و شناختن ریشه و درون آن، او را باقر خوانده‌اند.^۹

زمان امام محمد باقر (ع) یعنی دهه‌های آخر قرن اول و دهه‌های اول و دوم قرن دوم هجری، زمان ظهور فقهای بزرگ مخصوصاً در مدینه بود. در این دوران، مسلمانان که از فتوحات خارجی و جنگ‌های داخلی تا حدودی فراغت یافته بودند، از اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی برای فراگرفتن احکام الهی و فقه اسلامی به مدینه که شهر رسول الله (ص) و اصحاب و تابعان ایشان بود، روی می‌نهادند، فقها و محدثان بزرگی از جمله سعید بن مسیب - م. ۹۴ ق -، عروة بن زبیر - م. ۹۴ ق -، خارجه بن زید بن ثابت - م. ۹۹ ق -، ربیعة الرأی - م. ۱۳۶ ق - در این شهر جمع بودند. به خصوص که منع کتابت حدیث در زمان عمر بن عبدالعزیز لغو شده بود. در این دوران شکوفایی فقه و حدیث بود که دانش و معرفت امام محمد باقر (ع) و نیز فرزند او امام جعفر صادق (ع) بر همگان آشکار شد و اصول و مبانی کلام و فقه و سایر معارف دینی شیعه که این دو امام بیش از همه مبین آن بودند، تدوین و توسط راویان و شاگردان ایشان به عالم پراکنده شد. بسیاری از مجتهدان و مؤسسان مذاهب فقهی دیگر از این دو امام فیض برده‌اند. به همین جهت رایج شدن لقب باقر برای امام پنجم (ع) که لقبی کاملاً علمی است، بسیار پرمعنی است. نسایی از محدثان بزرگ اهل سنت آن حضرت را از فقهای بزرگ تابعین در مدینه شمرده است^{۱۰} و به گفته او همه حافظان حدیث در استناد و احتجاج به قول آن حضرت اتفاق دارند. ذهبی او را جامع مقام علم و عمل و بزرگی و شایسته مقام خلافت دانسته است.^{۱۱}

شیخ مفید درباره جایگاه علمی آن حضرت می‌نویسد: بازماندگان صحابه و بزرگان تابعان و رؤسای فقهای مسلمانان از آن حضرت در مسایل دینی روایت کرده‌اند. به نوشته او: امام (ع) اخبار پیشینیان و پیامبران را روایت می‌کرد. مردم از او در باب مغازی و سیرت

و سنت رسول الله (ص) حدیث می آموختند و در مناسک حج، که از پیامبر نقل می کرد، بر او اعتماد داشتند و از ایشان تفسیر قرآن بر می نوشتند. ۱۲

عبدالله بن عطاء مکی می گوید: دانشمندان را در هیچ مجلسی کوچکتر از آن ندیده ام که در محضر ابوجعفر دیده ام. من حکم بن عتیبه از فقهای بزرگ کوفه را در پیشگاه او به سان شاگردی نزد استاد دیدم. ۱۳

جابر بن یزید جعفی وقتی از امام محمد باقر (ع) حدیثی را روایت می کرد، می گفت: و حدیث کرد مرا، وصی اوصیا و میراث دار دانش پیامبران، محمد پسر علی بن حسین بن علی که درود خدا بر آنان باد. ۱۴ ابونعیم، ذهبی و ابن شهر آشوب؛ شماری از محدثان و فقها را به عنوان راویان امام محمد باقر (ع) نام برده اند. در کتاب های رجالی شیعه، نام های راویان امام باقر (ع) ثبت شده و از جمله شیخ طوسی آنها را بر اساس حروف تهجی ذکر کرده که بالغ بر ۴۶۶ تن می شود. ۱۵ البته با تتبع در اسانید روایات ممکن است بر شماری بیش از این دست یافت.

آنچه از امام محمد باقر (ع) روایت شده در همه زمینه های علوم اسلامی است؛ اعم از تفسیر و علوم قرآنی، فقه، کلام، اخلاق، تاریخ، سیره و مسائل نظام آفرینش که گاهی برخی از شاگردان آن حضرت آنها را به صورت کتاب مستقلی تدوین کرده اند.

امام محمد باقر (ع) به عنوان عالمی که دانش خود را از طریق پدرانش از پیامبر اکرم (ص) دریافته و حلقه های درسی بزرگی را در مدینه تشکیل می داد؛ چهار هدف عمده را پی می گرفت:

۱. عرضه دیدگاه های اسلامی در همه زمینه ها، به خصوص درباره پرسش هایی که دانشمندان سایر ادیان مطرح می کردند. بنا به نقل شیخ مفید، امام (ع) با هر یک از پیروان عقاید گوناگون که بر او وارد می شدند؛ مناظره می فرمودند و مردم مسائل بسیاری را در علم کلام از او فرا می گرفتند. ۱۶

۲. روشننگری نسبت به اشتباهات و انحرافات فقهی و کلامی و تفسیری و تاریخی و اخلاقی که یا وابستگان حکومت اموی آن را پدید آورده بودند و یا از عدم اتصال به سنت نبوی ناشی می شد.

۳. گشایش ابوابی از معرفت دینی که حاکمان آن روز جامعه اسلامی از طرح آنها جلوگیری کرده بودند و آگاهی مردم از آنها سلطه نظام حاکم سیاسی را متزلزل می کرد.

۴. گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی بر مبنای دیدگاه های امام محمد

باقر^(ع) و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی به منظور ارائه درست نظریات آن حضرت و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی اهل بیت پیامبر (ص) و نیز نفی گرایش‌های غلوآمیز برخی از پیروان اهل بیت، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بی‌زاری از سران آنان.

امام محمد باقر^(ع) برای دستیابی به این هدف‌ها و نیز اجرای مقاصد دیگری که بر خود فرض می‌دید، گذشته از برپایی حلقه‌های متعدد درس عمومی و خصوصی به مناظره با دانشمندان برجسته شهرهای اسلامی و پیشوایان فکری فرق مهم آن روزگار و عالمان سایر ادیان و برخی مدعیان راهبری معنوی مردم عنایت خاصی داشت هم چنین از مراسم حج برای گفتگو با مسلمانان مناطق مختلف اسلامی بهره فراوان می‌گرفت.^{۱۷}

بنا به نقل شیخ مفید، سالی هشام بن عبدالملک به حج رفت و در حالی که به غلامش سالم تکیه داده بود وارد مسجد الحرام شد. امام را دید که در مسجد نشسته به غلامش گفت: این همان مردی است که عراقی‌ها و اله علم و دانش اویند. غلام گفت: آری! هشام گفت نزد او برو و از او پرس فردای قیامت که مردم در صحنه پرسش قرار گرفته‌اند و هنوز به حسابشان رسیدگی نشده و به سزای اعمال خود نرسیده‌اند چه می‌خورند و چه می‌آشامند؟ حضرت پاسخ داد آنان در زمینی که چون گرده نان پاکیزه‌ای است محشور می‌شوند و در روی آن نهرهایی جاری است تا از حساب خود فارغ نشده‌اند به قدر مایحتاج می‌خورند و می‌آشامند.

هشام دوباره به غلام گفت از او پرس آن روز با آن همه گرفتاری که از همه طرف آنان را گرفتار و احاطه کرده چگونه به یاد خوردن و آشامیدن می‌افتند؟ امام فرمود: جهنمی‌ها با آنکه در میان شعله‌های آتش می‌سوزند، خوردن و آشامیدن را فراموش نمی‌کنند و درخواست آب و رزقی که خداوند ارزانی فرموده می‌نمایند و این آیه را از سوره اعراف دلیل آورده که خداوند از گفته جهنمی‌ها نقل می‌کند. مردم جهنم از بهشتی‌ها درخواست می‌نمایند: «أَقْبِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ» (الاعراف، ۵۰/۷)؛ شربت آبی یا چیز دیگر از آنچه خدا به شما ارزانی داشته به ما کرم کنید. هشام مغلوب شد و دیگر سخنی نگفت.^{۱۸}

امام محمد باقر^(ع) درباره دانشمندی که مردم از او سود می‌برند، می‌فرمود: «عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد»^{۱۹}؛ این دانشمند بهتر از هفتاد هزار عابد است.

صبر

«وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» (الانسان، ۱۲/۷۶)؛ و پاداش آن صبر کامل بر ایشان باغ بهشت و لباس حریر بهشتی لطف فرمود.

«وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِّ...» (النحل، ۹۶/۱۶)؛ البته اجری که به صابران بدهیم بهتر از عملی است که آنان به جا آورده اند.

«وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (العصر، ۳/۱۰۳)؛ و به درستی و راستی در دین یکدیگر را سفارش کردند.

با مراجعه به متون اسلامی می توان بحث صبر را از سه زاویه مطرح نمود: صبر بر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت. بدون تردید صبر در هر سه حوزه با مرارت و رنج همراه است اما نتایجی دارد که بسیار شیرین و لذت بخش است. صبر در هر سه حوزه عبادت محسوب می شود و استعانت به صبر مقدمه طاعت و یا ترک معصیت است.

امام محمد باقر (ع) در برابر مصائب تسلیم بود و همواره می ترسید که مبادا نعمت های خداوند را ناسپاسی کرده باشد. زمانی یکی از افراد خانواده او - فرزندش - بیمار شد. امام (ع) بسیار ناراحت و افسرده و بی قرار شد. اصحاب گفتند اگر پیشامدی رخ دهد، با وضع بدی رو به رو خواهیم شد. چیزی نگذشت که صدای ناله و فریاد از خانه بلند شد و فرزند امام (ع) درگذشت. امام (ع) که از بیماری او بسیار ناراحت بود، بعد از مرگ هرگز اظهار عجز نکرد و فرمود: «آنچه را دوست می داریم از خداوند می خواهیم، اما وقتی آنچه برای ما ناگوار است. روی دهد، نسبت به آنچه خدا برای ما پسندیده است، مخالفت نمی کنیم». ایشان هم چنین فرمود: «هر کس فرزند یا فرزاندانی از او فوت شود و وی داغ مصیبت آنان را به حساب خداوند و خواست او بگذارد و صبر و بردباری پیشه کند، آن فرزندان به خواست خداوند بین او و آتش دوزخ حجاب خواهند شد». ۲۰ و فرمود: «آنکه در مصیبت صبر کند و کلمه استرجاع را بر زبان آورد و خداوند را در مصیبت بستاید و به کار الهی راضی و دلخوش بوده، اجر و پاداش او به خداوند حتمی است. اما اگر کسی این گونه عمل نکند قضای الهی بر او جاری خواهد شد و او نکوهیده است و خداوند اجر و پاداش او را تباه خواهد ساخت». ۲۱

یکی از والاترین نمودهای صبر، در شهادت در راه خداوند جلوه می یابد. انسانی که اموال و انفس را امانت می خواند، آرامش و رضایتش در گرو رضای الهی خواهد بود و آنگاه

که دینش را در خطر ببیند به راحتی قادر است از تمامی لذات دنیوی و دل بستگی های آن دل کنده در میدان جنگ و جهاد با دشمنان حق، با تمام وجود پذیرای شهادت باشد. کسی که با این نگرش در مصائب از خود صبر نشان می دهد، به همین مقام و مرتبه دست یافته است. شاید رمز این مطلب که اجر صبر و شهادت در راه خدا را یکی دانسته اند، در این حقیقت نهفته باشد. امام محمد باقر (ع) می فرماید: «من بلی من شیعتنا بیلاء فصبر کتب الله عزوجل له مثل اجر الف شهید»^{۲۲}؛ یعنی: هر یک از شیعیان ما که به بلایی گرفتار شود ولی شکیبایی و استقامت ورزد، خداوند متعال پاداش هزار شهید در نامه عمل او نویسد. مراد حدیث این است: کسی که در کوران حوادث و سختی های کمرشکن روزگار، اعتقادات صحیحش را از دست ندهد و به خدا و دین و آیین الهی معترض نشود، و به نحو احسن ایمان و دینش را حفظ نماید، اگر چنین باشد پاداش هزار شهید هم برای او زیاد نخواهد بود.

صبر در مصائب صبری جمیل است به طوری که زینده مؤمنین و از گنج های ایمان معرفی می شود. و برای آن به منزله سری است برای بدن. به عبارت دیگر حقیقت ایمان در پرتو صبر است که تجلی می یابد و با ارزش می شود و مؤمن باید بر اهمیت این مطلب وقوف کامل یابد. امام محمد باقر (ع) می فرماید: «اربع من کنوز البر: کتمان الحاجة و کتمان الصدقة و کتمان الوجع و کتمان المصیبه»^{۲۳}؛ چهار چیزند که گنج نیکویی محسوب می شوند: نمان داشتن حاجت، نمان داشتن صدقه، نمان داشتن درد و نمان داشتن مصیبت.

صبر در مصائب و سختی ها چنان مهم است که آن را نشانه ایمان خوانده اند و بهترین بندگان را شکیباترین آنان دانسته اند و اصولاً کمال ایمان و حقیقت آن را در صبر دیده اند. امام محمد باقر (ع) می فرماید: «الکمال کل الکمال: التفقه فی الدین و الصبر علی النائبة و تقدیر المعیشة»^{۲۴}؛ کمال، و تمامی کمال، تفقه و بصیرت پیدا کردن در دین، و صبر کردن در مصیبت، و اندازه داری مخارج زندگی است.

هم چنین امام محمد باقر (ع) یکی از مصادیق صبر را صبر بر فقر و مصائب دنیا می شمردند.^{۲۵}

زهد

«لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (الحديد، ۲۳/۵۷)؛ تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است، شادمان نگردید.

امام باقر(ع) را از زاهدان بزرگ عالم اسلام خوانده اند. ابونعیم اصفهانی با عبارت: «الحاضر الذاکر، الخاشع الصابر» از ایشان یاد کرده است. ۲۶ عطار نیشابوری کتاب تذکرة الاولیاء خود را با یاد این امام بزرگوار خاتمه داده و به پیروی از هجویری از آن حضرت با عناوین حجت اهل معاملات، برهان ارباب مشاهدت، امام اولاد نبی، گزیده نسل علی و صاحب باطن و ظاهر، تعبیر کرده است. ۲۷

امام(ع) علاوه بر زهد عملی، بیاناتی در تفسیر الفاظی چون عبادت، محبت، غنا، تقوا، توکل و دنیا دارد که راهگشای کسانی بوده که دین را از وجهه معنوی و عرفانی می نگرستند. به گفته ابن حجر هیتمی، ۲۸ امام محمد باقر(ع) در ترسیم مقامات عارفان و بیان حقایق عرفانی سخنانی دارد که زبان از وصف آن عاجز است.

روزی حضرت به جابر فرمود که: «شب را اندوهناک به صبح رساندم». جابر علت را پرسید؟ امام فرمود:

«اندوه و نگرانی من از آخرت است. ای جابر! هر که حقیقت خالص ایمان بر دلش وارد شود، از زرق و برق دنیا روی برتابد. به راستی که زیبایی دنیا تنها بازی و سرگرمی است و به درستی که سرای دیگر همان زندگانی واقعی است. ای جابر! به تحقیق نیکو نیست که مؤمن بر زیبایی این سرای، دل بندد و اعتماد کند. آگاه باش که فرزندان دنیا، اهل خود فراموشی و بزرگ بینی و نادانی اند و فرزندان آخرت همان مؤمنان. عمل کنندگان و دوری گزینندگان از دنیایند. اهل دانش تیز فهمی و مرد اندیشه و عبرت گیری و جستجوگری هستند. از یاد خدا دل آزرده نمی شوند.

ای جابر! آگاه باش! به راستی توانگران راستین همان پارسایانند. اندکی از دنیا بی نیازشان سازد. خرجشان اندک است. اگر کار نیکویی را فراموش کردی، به یادت آرند و اگر کار نیکویی را انجام دادی، یاری ات رسانند. هوس جویی ها و لذت طلبی ها را پشت سر اندازند و بندگی پروردگارشان را فرا روی خویش نهند. چشم ها را به راه نیکو و ولایت دوستان خدا دوزند، پس دوستدارشان شوند و ولایت ایشان را بپذیرند و از ایشان پیروی نمایند.

ای جابر! چنان در دنیا سکنا گزین که گویی ساعتی در آن هستی و سپس راهی سرایی دیگر خواهی شد یا که گویی ثروتی است که به خواب بینی و بدین شاد و مسروری شوی. چون از خواب برخیزی در کفت چیزی نباشد. من از آن رو برای مثالی آوردم که در آن بیندیشی و اگر خداوند توفیق داد، بدان عمل کنی.

ای جابر، آنچه از دین خدا و حکمتش به تو سپردم محفوظ بدار و خویشتن را پند ده و بنگر که خداوند در زندگی ات چه جایگاهی دارد. پس پیمان بازرسی خدای از تو هنگام بازگشت همان گونه است و بنگر اگر دنیا در نزد تو همان طور بود که من برای توصیف کردم پس از آن روی گردان و به سرای دیگر توجه کن که موجب خشنودی خداوند است. ۲۹

آراستگی ظاهر

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (الاعراف، ۳۲/۶)؛ ای پیامبر بگو: زیورهایی که خداوند برای بندگان خود آفریده است و روزهای پاکیزه را چه کسانی حرام کرده‌اند؟ بگو: اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و - اگرچه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند، لیکن - در آخرت برای مومنان خواهد بود. این گونه آیات را برای کسانی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم.

در منابع شیعی روایاتی نقل شده است که بر طبق آنها امام محمدباقر(ع) از پوشیدن لباس خوب و پاکیزه و تهیه غذاهای خوب در خانه دریغ نداشت و خصوصاً برای رعایت حال برخی از افراد خانه این کار را لازم می‌دید. ۳۰

امام(ع) در این زمینه می‌فرمود: «النساء يحببن ان يرين الرجال في مثل ما يحب الرجال ان يری فيهن النساء من الزينة»^{۳۱} زنان دوست دارند همسران خود را آرایش کرده ببینند همان طور که مردان دوست دارند زنانشان را با آرایش ببینند.

این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که در روزگار ایشان برخی گرایش‌های ترک دنیا پیدا شده بود و شاید به همین دلیل است که این موضوع در منابع نقل شده است امام محمدباقر(ع) هم چنین می‌فرمود: «البشر الحسن و طلاقة الوجه مكسبة للمحبة و قرابة من الله و عبوس الوجه و سوء البشر مكسبة للمقت و بعد من الله»^{۳۲}؛ چهره شاداب و خوش رویی مهرآور و نزدیک کننده به خداوند است و چهره گرفته و بدرویی، دشمنی آور و دور کننده از خداوند است.

ذکر

«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (الاعراف، ۲۰/۶)؛

در حقیقت کسانی که از خداوند پروا دارند چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به ایشان رسد خدا را به یاد آورند و به ناگاه بینا شوند .

امام محمد باقر(ع) در این مورد فرمود: به درستی که مومن به پیکار با نفس خویش عنایت بسیار دارد تا بر خواسته نفس تسلط یابد. زمانی کجی نفس را راست کند و به سبب دل بستگی به خدا یا خواسته نفسانی به مخالفت برخیزد و زمانی دیگر، نفس او را بر زمین افکند. پس مطیع خواسته نفسش شود، آنگاه خدا، او را بر پای دارد پس به پا خیزد و خدا از او درگذرد و او از خواب غفلت بیدار شود و به توبه و بیم از خدا روی آرد تا روشن بینی و آگاهی را افزون کند، چرا که ترسش افزون شده است. ۳۳

کلینی از امام جعفر صادق(ع) نقل کرده است که فرمود: «پدرم همواره ذکر خدا می‌گفت و افراد خانواده خود را هم به این کار سفارش می‌کرد». ۳۴ در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «بهترین دعا الحمد لله است» و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمودند: «بیشترین دعای من و دعای پیامبران پیش از من در عرفات ذکر «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر» بوده است .

امام محمد باقر(ع) نیز در مورد ذکر الحمد لله می‌فرمود: «با گفتن «الحمد لله» تمام محامد را مخصوص خداوند عزوجل نمودم. همانا هیچ حمد و سپاسی نیست جز اینکه داخل این حمد است». ۳۵

از امام محمد باقر(ع) درباره آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (النحل، ۴۳/۱۶)؛ هرچه را ندانستید از اهل ذکر بپرسید، سوال کردند؟ امام فرمود: «اهل ذکر ما اهل بیت رسالت هستیم». ۳۶

امام جعفر صادق(ع) فرمود: «هرگاه پدرم با مردم سخن می‌گفت از ذکر خدا غافل نمی‌گشت و همواره می‌دیدم که زبانش به ذکر «لا اله الا الله» حرکت می‌کند. آن حضرت ما را جمع می‌کرد و به ذکر الهی امر می‌نمود تا خورشید طلوع کند و هر کدام از ما که تلاوت آیات قرآن را می‌توانست امر به خواندن آن می‌کرد و هر کس نمی‌توانست امر به ذکر» .

انفاق و بخشش

«إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (البقرة، ۲۷۱/۲)؛ اگر آشکارا صدقه دهید کاری نیکوست و اگر در نهان به بینوایان صدقه دهید، نیکوتر است .

قرآن کریم بارها درباره بخشش به مستمندان تأکید کرده و به مسلمانان تعلیم داده است که این بخشش باید به خاطر خدا باشد. امام (ع) چون اجداد طاهرینش در زمینه انفاق گوی سبقت از همگان ر بوده بود. از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «پدرم از سایر افراد خاندان خود درآمد کمتری داشت ولی هزینه زندگی او از همه بیشتر بود». ۳۷ در هر روز جمعه صدقه می داد و می فرمود: «ثواب صدقه در روز جمعه بیشتر است».

امام محمد باقر (ع) هرگز از بخشش به برادران و متقاضیان و کسانی که به امیدی نزد وی آمده بودند، دریغ نمی کرد. خدمتکاران خود را در کارهای دشوار یاری می کرد. ۳۸

هرگاه می خواست به سائلی کمک مالی کند او را «یاسائل» نمی خواند، بلکه «یا عبدالله» ای بنده خدا - می گفت. ۳۹ آمد و شد خویشانش او را دلگیر نمی کرد و از آنان با خوراکی های خوب پذیرایی می کرد و جامه های نیکو و مال نقد می بخشید. ۴۰

حسن بن کثیر گوید به حضور امام محمد باقر (ع) رسیدم و از گرفتاری و آزار برادران شکایت کردم. امام فرمود: «بد برادری است آن برادری که در هنگام دارایی تو، همواره یار و انیس تو باشد و در وقت تنگدستی از برادر خود دوری نماید». آنگاه به غلام خود دستور دارد کیسه ای که در آن ۷۰۰ درهم بود را حاضر سازند و به من عنایت کرد و فرمود: «این مقدار را رفع حاجت خود به کار بند و باز هرگاه نیازمند شدی ما را خبر کن».

عمر و بن دینار و عبدالله بن عمیر می گفتند هر گاه به ملاقات امام محمد باقر (ع) توفیق می یافتیم پول و جایزه و لباس به ما ارزانی می داشت و می فرمود: «اینها پیش از آنکه به ملاقات ما نائل شوید برای شما آماده گردیده». آن حضرت از رسول اکرم (ص) روایت می کرد که فرمود: «برترین و محکم ترین کارها سه امر است: با برادران در مال و ثروت موااسات نمودن، با مردم به انصاف رفتار کردن و در همه حال به یاد خداوند بودن». ۴۱

حسن خلق

«وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفقران، ۶۳/۲۵)؛ و آنگاه که مخاطب افراد جاهل و نادان قرار می گیرند با سلامت نفس جواب می دهند.

آن حضرت در برابر دوستان فروتنی می کرد و بدزبانی افراد را نادیده می گرفت و می فرمود: «خداوند را بندگانی باشد که با خوشبختی و توانگری زندگی می کنند و مردمان در سایه ایشان به نیکی زندگی می کنند و آنان در میان بندگان چون بارانند». و می فرمود: «با

مردم به نیکوترین سخنی که دوست دارید آنان با شما سخن بگویند، سخن گویند». ۴۲. روزی مردی نصرانی به امام محمد باقر(ع) جسارت کرده و گفت: أنت بقر. امام فرمود: «نه؛ من باقر هستم». نصرانی گفت: تو پسر زن آشپز هستی. امام فرمود: «آشپزی شغل مادرم است». نصرانی گفت: مادرت کنیزی سیاه و بدزبان بود. امام فرمود: «اگر این نسبت هایی که به مادرم دادی درست است، خداوند مادرم را بیمارزد و اگر دروغ گفתי خداوند تو را بیمارزد». نصرانی وقتی امام را در چنین جایگاهی دید خجل زده شد و از امام تقاضای عفو کرد و سپس مسلمان شد. ۴۳.

جاحظ می نویسد: امام محمد باقر(ع) صلاح تمام شئون دنیا را در دو کلمه جمع کرده و می فرماید: «صلاح جمیع المعایش و التعاشر ملامکیال: ثلثان فطنة و ثلث تغافل؛ صلاح و نیکی همه زندگی ها و معاشرت ها همچون پری گنجایش یک ظرفی است که دو سوم آن هوشیاری و زیرکی است و یک سوم آن چشم پوشی و گذشت است». ۴۴. امام همچنین فرمود: «هیچ چیزی با چیز دیگر مخلوط نشد که زیباتر از مخلوط شدن حلم با علم باشد». ۴۵. شیخ طوسی از محمد بن سلیمان از پدر خود روایت کرده که گفت: مردی از اهل شام به خدمت امام محمد باقر(ع) رفت و آمد داشت و به مجلس امام می آمد. روزی به امام عرض کرد که محبت و دوستی با تو ندارم و حتی نمی گویم که در روی زمین کسی هست که از شما اهل بیت نزد من مبغوض تر و دشمن تر باشد. می دانم که طاعت خدا و رسولش و طاعت امیرالمومنین خلیفه اموی عداوت و ورزیدن با شماست لکن تو را مردی فصیح اللسان و دارای فنون و فضایل و آداب و نیکوکلام می نگرم از این رو به مجلس تو می آیم. امام با خوبی به او پاسخ داد که در نزد خداوند هیچ چیزی پنهان نمی ماند.

چند روزی بعد مرد شامی رنجور گردید و درد و رنجش افزون گشت. ولی خویش را طلبید و به او گفت اگر من از دنیا رفتم از محمد بن علی(ع) بخواه تا بر من نماز بگذارد. نیمه شب گمان کردند که او از دنیا رفته است. ولی نزد امام محمد باقر(ع) رفت و از امام خواست تا بر آن مرد شامی نماز گزارد. امام فرمود: «نه چنین نیست در کار او تعجیل مکن». اوزنده است برو من نیز خواهیم آمد. امام به دیدار مرد شامی رفت و شربتی به او خوراند و به خانواده اش گفت خوراک سرد و خنک به او بدهید و او را خنک نگاه دارید و خود بازگشت. مرد شامی بهبود یافت و از امام عذرخواهی کرد و شیعه و پیرو امام گردید. ۴۶. از زرارة روایت شده که گفت امام محمد باقر(ع) بر جنازه مردی از قریش حاضر شد. من

در خدمتش بودم. در آن جماعت عطا که مفتی مکه بود نیز حضور داشت: در این حال ناله و فریاد از زنی بلند شد. عطا به او گفت خاموش باش یا ما باز می‌گردیم. زن خاموش نشد و عطا بازگشت. اما امام جنازه را همراهی کرد و فرمود: «نباید کار حقی را به سبب باطلی فرو گذاریم. تشییع جنازه حق مسلم است و به سبب گریه و زاری، حق از بین نمی‌رود». ۴۷

امام محمد باقر(ع) دائماً نگران مردم بود. می‌فرمود: «گرفتاری مردم برای ما از هر چیزی بزرگ‌تر و دشوارتر است، زیرا اگر آنان را به راه حق و حقیقت بخوانیم، دعوت ما را نمی‌پذیرند و اگر آنها را به حال خود بگذاریم دیگران نمی‌توانند آنها را هدایت کرده و به راه راست راهنمایی نمایند». ایشان هم چنین می‌فرمود: «چرا مردم درصدد آزار ما برمی‌آیند و دیدار ما را مکروه می‌دانند با آن‌که ما اهل بیت رحمتیم و درخت بارور نبوت در خانه ماست و ما معدن حکمت و دانشیم و فرشتگان درخانه‌های ما رفت و آمد می‌کنند و وحی الهی در خانه ما نازل می‌شود». ۴۸

مالک بن اعین جهنی در مدح او می‌گوید:

اذا طلب الناس علم القرآن	کانت قریش علیه عیالا
وان قيل أين ابن بنت النبي	نلت بذاک مزوعا طوالا
نجوم تهلل للمد لجین	حمال تورث علما حبالا ۴۹

هرگاه مردم بخواهند کاملاً از حقایق قرآنی واقف شوند باید حلقه در خانه بزرگی را به دست بگیرند که قریش با آن‌که اهل قرآن و مردمی با کمالند. ریزه‌خوار خوان کمالات اویند. و هرگاه درصدد استفاده از چنین بزرگی برآمدی و گفتی پسر دختر پیامبر خدا کجاست به اصول و فروع کمالات قرآنی پی برده. او مانند ستاره‌ای تابناک است که چراغ تاریکی شب‌های تاریک مسافرانند و مانند کوه‌های عظیمی است که مملو از علم و کمال است.

عبادت پروردگار

«وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجْدًا وَقِيَامًا» (الفرقان، ۶۴/۲۵)؛ آنان که برای خشنودی خداوند شب به ایستادن و یا سجده کردن به روز می‌رسانند.

سراسر زندگانی معصومین(ع) عبادت حضرت حق است و همه افعال و حرکات آنان عبادت محسوب می‌شود؛ زیرا تمامی کارهای خود را با بندگی خداوند زینت داده‌اند. امام(ع) با آن‌که از مرتبت بلند اجتماعی برخوردار بود و به گفته ذهبی، سروری و دانش و

رفتار صحیح را یک جا جمع کرده بود، شخصاً در گرمای حجاز در مزرعه کار می کرد و انگیزه این کار را اطاعت خدا و بی نیاز شدن خود و خانواده اش از مردم می دانست. ۵۰

در سفر حج او را دیدند که غسل کرد و با پای برهنه وارد منطقه حرم شد، چون به مسجدالحرام رسید، به کعبه نگرست و با صدای بلند گریه کرد. آنگاه طواف کرد و بعد از نماز سر به سجده نهاد. هنگامی که سر از زمین برداشت محل سجده از بسیاری اشک مرطوب شده بود. ۵۱

امام محمد باقر(ع) در نیمه های شب در راز و نیاز خود با خدا می فرمود: «خدایا! امر کردی، اطاعت نکردم. نهی کردی، دوری نمودم. اینک من بنده ات هستم که در پیشگاهت هستم اما با اینکه باید عذرخواهی کنم، عذرخواهی نمی کنم». امام جعفر صادق(ع) فرمود: «هنگامی که چیزی پدرم را غمگین می نمود، امر می کرد تا زنان و کودکانش جمع شوند. سپس دعا می کرد و آنان آمین می گفتند». ۵۲

ذهبی نقل کرده است که امام محمد باقر(ع) در شبانه روز ۱۵۰ رکعت نماز می گزارد. ۵۳

و از امام جعفر صادق(ع) روایت شده است که پدرش را بنا بر وصیت خود او، در جامه ای که هنگام نماز بر تن می کرد، به خاک سپردند. ۵۴

به پسرش امام جعفر صادق(ع) فرمود: «خویشتن را برای حق شکیبا دار. زیرا هر که در پرداخت حق، چیزی را مضایقه کند، دو برابر آن را در باطل و نادرست بدهد». ۵۵

و فرمود: «شیعیان ما نیستند جز آنان که پرهیزکاری از خداوند را در پیش گیرند و فرمانش برند و آنان شناخته نمی شوند جز به فروتنی و خشوع و باز پس دادن امانت و یادکردن بسیار خداوند و روزه داری و نمازگزارای و نیکی به پدر و مادر و تعهد و رسیدگی در کار همسایگان تهیدست و بیچارگان و بدهکاران و یتیمان و راست گفتاری و تلاوت نمودن قرآن و سخن نگفتن با مردم جز به نیکی و شیعیان ما در هر چیزی امین خویشاوندانشان هستند». ۵۶

یکی از علل نامگذاری امام(ع) را به لقب «باقر» به جهت کثرت سجود آن حضرت می دانند. سبط ابن جوزی در تذکرة الخواص می نویسد: بقر السجود جبهته ای فتحها و شقها؛ گشاده کرد سجود، جبین و پیشانی او را. ۵۷ در جنات الخلود در ذکر اخلاق حمیده آن حضرت گفته شده که اکثر اوقات از خوف الهی می گریست و صدا به گریه بلند می کرد.

١. مناقب آل ابى طالب - ابن شهر آشوب - ٢٠٨/٤ .
٢. ر. ك، الكافى، ٢٦٩/١؛ ارشاد، مفيد، ١٨٨/٢؛ مصباح المتهجد/٨٠١؛ اعلام الورى باعلام الهدى/٢٥٩ .
٣. ر. ك: شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ١٤٩/١؛ سير اعلام النبلاء، ٤٠١/٤؛ بحار الانوار، ٢١٩-٢١٢/٤٦ .
٤. الكافى، ١/٤٧١-٤٧٢ .
٥. تاريخ مدينة دمشق، ترجمه الامام زين العابدين على بن الحسين (ع) و تليها ترجمه ابنه الامام محمد الباقر (ع)/١٤٧-١٤٨ .
٦. تحف العقول/٥٠٢ .
٧. كتاب عيون الاخبار، ١/٢١٢ .
٨. علل الشرايع، ١/٢٣٣ .
٩. شذرات الذهب، ١/١٤٩؛ ونيز ر. ك: وفيات الاعيان، ٣/٣١٤؛ الوافى بالوفيات، ٤/١٠٢؛ سير اعلام النبلاء، ٤/٤٠٢ .
١٠. سير اعلام النبلاء، ٤/٤٠٣ .
١١. همان، ٤/٤٠٢ .
١٢. ارشاد، ٢/١٥٧ .
١٣. ر. ك: سير اعلام النبلاء/٢٠٨-٢١٣؛ حلية الاولياء، ٣/١٨٦؛ ارشاد، ٢/١٠٦ .
١٤. كشف الغمه، ٢/٣٣٧ .
١٥. ر. ك: رجال الطوسى/١٠٢-١٤٢ .
١٦. ارشاد، ٢/١٦٣ .
١٧. الاحتجاج، ٢/٣٢١-٣٣١؛ بحار الانوار، ٤٦/٢٣٣-٢٨٦ و ٣٤٧-٣٥٩؛ اعيان الشيعة، ١/٦٥٢-٦٥٣ .
١٨. ارشاد، ٢/١٦٣ .
١٩. تحف العقول/٥٢٠ .
٢٠. عيون الاخبار، ٣/٥٧؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ١/٤٣٥؛ تاريخ مدينة دمشق/١٦١؛ مسكن الفؤاد/٢٠ .
٢١. بحار الانوار، ٦٨/٩٦؛ مسكن الفؤاد/٥١ .
٢٢. بحار الانوار، ٤٩/٤٢ .
٢٣. تحف العقول/٥٢٤ .
٢٤. همان/٥١٦؛ منتهى الآمال، ٢/١١٧ .
٢٥. كشف الغمه، ٢/٣٤٠ .
٢٦. حلية الاولياء، ٣/١٨٠ .
٢٧. كشف المحجوب/٩٢-٩٣؛ تذكرة الاولياء، ٢/٣٣٩ .
٢٨. الصواعق المحرقة/٢٠١ .
٢٩. تحف العقول/٥٠٦-٥٠٨ .
٣٠. الكافى، ٦/٢٨٠، ٤٤٦، ٤٤٨ .
٣١. بحار الانوار، ٧٦/١٠١ .
٣٢. تحف العقول/٥٢٦ .
٣٣. تحف العقول/٥٠١-٥٠٢ .
٣٤. الكافى، ٢/٤٩٩؛ بحار الانوار، ٤٦/٢٩٧ .
٣٥. منتهى الآمال/٧٨٦ .
٣٦. ارشاد، ٢/١٥٨ .
٣٧. بحار الانوار، ٤٦/٢٩٤ .
٣٨. همان، ٤٦/٢٨٨ .
٣٩. عيون الاخبار، ٢/٢٠٨ .
٤٠. بحار الانوار، ٤٦/٢٩٠-٢٩١ .
٤١. ارشاد، ٢/١٦٤ .
٤٢. همان/١٦٢ .
٤٣. نگاهى بر زندگى چهارده معصوم (ع)/٢١٧ .
٤٤. همانجا .
٤٥. تحف العقول/٥١٦ .
٤٦. منتهى الآمال/٧٩٠ .
٤٧. همان/٧٨٧ .
٤٨. ارشاد، ٢/١٦٦ .
٤٩. همان/١٦٢ .
٥٠. همانجا .
٥١. كشف الغمه، ٢/٣٢٩؛ بحار الانوار، ٤٦/٢٩٩-٣٠٠ .
٥٢. نگاهى بر زندگى چهارده معصوم/٢١٥ .
٥٣. سير اعلام النبلاء، ٤/٤٠٣ .
٥٤. الطبقات الكبرى، ٥/٢٣٧-٢٣٨؛ بحار الانوار، ٤٦/٢٢٠ .
٥٥. تحف العقول/٥٢٧ .
٥٦. همان/٥٢٣-٥٢٤ .
٥٧. منتهى الآمال/٧٨١ .